



شفافیت لابی گری در بخش عمومی

علی علاءالدینی^۱

دانشجوی مقطع دکترای مدیریت دولتی - خط مشی گذاری عمومی

چکیده

لابی بمعنای تاثیرگذاری افراد، شرکت ها و موسسات خارج از بخش عمومی بر نظرات، دیدگاه ها، تصمیمات، سیاست ها و قوانین موضوعه مقامات دولت بمنظور کسب منفعت و با انگیزه های مختلف است. علیرغم ذهنیت منفی موجود درباره آن، کارکردهای مثبتی در بهبود و ارتقاء سیاست های عمومی داشته و دارد. لابی گری در قرن جدید یک فعالیت مهم و لابی گر مکمل سیاست گذار در فرآیند سیاست گذاری عمومی و یک عنصر موثر در بهبود سیاست های عمومی به نفع شهروندان است. کشورهای پیشرو در توسعه نظامات حکمرانی، لابی گری را به رسمیت شناخته و با نظام مند و قانونمند کردن آن سعی در استفاده از جنبه های مثبت آن دارند. آنها با وضع قوانین مرتبط با لابی گری، اقدام به شفاف سازی اقدامات لابی نموده اند تا از بروز فسادهای احتمالی جلوگیری نمایند. در این قوانین لابیستها و حوزه های لابی مجاز آنها شناسایی و ساماندهی شده و لابی گران مجاز باید لابی های خود را در سامانه های مرتبط ثبت نمایند. همچنین مقامات دولتی فقط می توانند با لابی گران مجاز لابی کنند و با اجرای ضوابط دستورکار باز و ثبت خاطرات کاری روزانه، مردم و نخبگان را از مجموعه ملاقات ها و جلسات خود با لابی گران آگاه نمایند. مشاوران و رسانه های اجتماعی غیردولتی نیز بعنوان اثرگذار بر تصمیمات دولت نیز باید شفاف باشند تا سوگیری تاثیرات آنها رصد شود. امروزه وجود لابی در بخش عمومی کشور بر کسی پوشیده نیست و لازم است تا قوانینی بمنظور ساماندهی و شفاف سازی آن وضع گردد.

کلمات کلیدی: لابی، لابی گری، شفافیت، فساد، سیاست



مقدمه

اصطلاح لابی گر و لابی گری به اواسط قرن هفدهم میلادی باز می گردد؛ زمانی که شهروندان انگلیسی در سالن بزرگی نزدیک مجلس عوام جمع می شدند و نظرات خود را به گوش اعضای پارلمان می رساندند. در اوایل قرن نوزدهم اصطلاح مامور لابی در ایالات متحده شایع شد که برای کسانی بکار می رفت که سعی می کردند علایق پارلمان را به سمت نظرات خود جلب کنند. از همان قرن نوزدهم، لابی گران در نظر عموم، اشخاص سوال برانگیزی بودند. این سوء شهرت به دلیل اعمال نفوذ ناروای اشخاص حقیقی و حقوقی ذینفع بر مقامات حکومتی و بویژه نمایندگان پارلمان بی دلیل هم نبود.

همچنین اصطلاح لابی ریشه در سنت پارلمانی بریتانیا دارد. لابی اتاقی بود در جلوی سالن بحث و شور مجلس عوام که اعضای پارلمان در آنجا کسانی که بدنبال بیان نظرات خود یا متقاعد کردن نمایندگان به موافقت یا مخالفت با اهداف و نظرات خاصی هستند را ملاقات می کنند. لابی گری شیوه ای برای اعمال نفوذ در روند تصمیم گیری سیاسی بنفع گروه های خاص ذینفع یا گروه های فشار است. به عبارت دیگر لابی گری، عمل حمایت گری شخصی یا خصوصی با هدف اعمال نفوذ بر نهادهای حکومتی است و لابی گر شخصی (حقیقی یا حقوقی) است که در ازای دریافت پول درصدد جلب حمایت قانونگذار یا به عبارت کلی تر سیاستگذاران یا افکار عمومی بر می آید. (رنجر، ۱۳۸۴ ص ۲)

لابی گری می تواند تأثیر عمیقی بر نتیجه سیاست های عمومی و به نوبه خود بر رفاه و استانداردهای زندگی در جوامع داشته باشد. افراد و گروه های ذینفع با به اشتراک گذاشتن تخصص، نیازهای مشروع و شواهد می توانند بینش ها و داده های ارزشمندی را در اختیار دولت ها قرار دهند تا سیاست های عمومی را بر اساس آن ها استوار کنند. این کار می تواند به سیاست گذاران در درک گزینه ها و مبادلات کمک کند و در نهایت منجر به وضع سیاست های بهتر شود. به عنوان مثال، لابی مرتبط با تقویت استانداردهای زیست محیطی، بهبود ایمنی جاده ها یا افزایش خدمات مراقبت از کودکان می تواند برای کل جامعه مفید باشد.

با این وجود، سوءاستفاده از شیوه های لابی - مانند انحصار نفوذ توسط گروه های ذینفع خاص، نفوذ ناروا از طریق شواهد پنهان یا فریبنده، یا دستکاری افکار عمومی - می تواند منجر به وضع سیاست ها و نتایج نامطلوب شود. به عنوان مثال تجزیه و تحلیل ۳۰۰ مطالعه دانشگاهی نشان داد که چنین سوءاستفاده هایی منجر به پیامدهای منفی بر سلامت، عدم اقدام در مورد سیاست های آب و هوایی، مقررات بیش از حد برای محافظت از شرکت های متصدی، یا مقررات ناکافی برای اصلاح شکست ها یا انحرافات بازار شده است. علاوه بر این، سوءاستفاده از شیوه های لابی گری اعتماد شهروندان به فرآیندهای دموکراتیک را تضعیف می کند. (علاءالدینی، ۱۴۰۱ ص ۵۰)

با ظهور فناوری های دیجیتال و رسانه های اجتماعی، لابی گری پیچیده تر هم شده است. تعریفی که معمولاً از لابی گری در مقررات استفاده می شود - ارتباط شفاهی یا کتبی بین یک لابی گر و یک مقام دولتی برای تأثیرگذاری بر قوانین، سیاست ها یا تصمیمات اداری - دیگر کافی نیست. مکانیسم ها و کانال های نفوذ متنوع تر شده اند که می تواند منجر به سوءاستفاده شود. سیاست های دولت به طور فزاینده ای می توانند تحت تأثیر سازمان های غیردولتی (NGO)، مراکز تحقیقاتی و اتاق های فکر و استراتژی های رسانه های اجتماعی برای اطلاع رسانی نادرست یا تغییر نگرش عمومی قرار گیرند. این امر می تواند به اعتماد دولت ها و به آن هایی که بر فرآیند سیاست گذاری تأثیر می گذارند، به ویژه شرکت ها آسیب بزند. تنها تعداد کمی از کشورها در سطح جهان به خطرات لابی گری در ترتیبات حاکمیتی خود از طریق تدوین چارچوب های شفافیت پرداخته اند.

فراتر از شفافیت، قدرت و اثربخشی فرآیند سیاست گذاری نیز به سلامت مقامات دولتی و کسانی که سعی در تأثیرگذاری بر آنها دارند بستگی دارد. در حالی که قوانین، سیاست ها و دستورالعمل های مربوط به صداقت عمومی ایجاد شده اند، ولی معمولاً برای خطرات خاص لابی گری و سایر اعمال نفوذ تنظیم نشده اند. در حالی که قوانین مربوط به هدایا، دعوت نامه ها و مهمان نوازی قوی هستند، تعداد کمی از کشورها استانداردها، راهنمایی ها و آموزش هایی دارند که به طور خاص به فعالیت های لابی گری و سایر



شیوه‌های تأثیرگذار می‌پردازند. علیرغم استانداردهای سختگیرانه برای مدیریت تضاد منافع، «درب گردان» بین مناصب خصوصی و دولتی نیز یک نگرانی عمده باقی مانده است. به عنوان مثال، تنها تعداد کمی از کشورها برای اعضای قوه مقننه دوره‌های انعقاد/تعلیق را در نظر می‌گیرند.

لابی‌ها و شرکت‌ها تحت نظارت فزاینده‌ای هستند و برای درگیر شدن در فرآیند سیاست‌گذاری به چارچوب شفاف‌تری نیاز دارند. در حالی که چارچوب‌های رفتاری ابزار اصلی حمایت از صداقت لابی‌گران هستند، ولی ممکن است فاقد انسجام باشند یا فضای زیادی برای تفسیر باقی بگذارند. بهبود استانداردها و راهنمایی‌ها در طیف وسیعی از اقداماتی که برای تأثیرگذاری بر سیاست‌های عمومی در دسترس هستند، برای کمک به لابی‌گران و شرکت‌ها ضروری است تا به شیوه‌ای مشارکت کنند که نگرانی‌هایی در مورد صداقت و فراگیری ایجاد نکند. به طور خاص، ممکن است لازم باشد شرکت‌های بررسی دقیقی متعهد شوند تا اطمینان حاصل کنند که فعالیت‌های لابی‌گری آنها با تعهدات پایداری آنها همسو است.

مزایا و معایب لابی‌گری

لابی‌گری عملی است که همه ما هر روز به نوعی انجام می‌دهیم. این عمل به دنبال تأثیرگذاری بر کسی یا چیزی در یک موضوع خاص است. هنگامی که از یک دیدگاه کلی در مورد لابی‌گری صحبت می‌کنیم، معمولاً شامل اعمال لابی‌سیاسی می‌شود. لابی‌گران سیاسی برای ایجاد قوانین سودمند برای کسانی که نمایندگی می‌کنند تلاش می‌کنند. در سال ۲۰۱۳، هزینه‌های رسمی برای فعالیت‌های لابی در ایالات متحده بالغ بر ۳٫۲ میلیارد دلار بود. انجمن‌های تجاری، شرکت‌های روابط عمومی و حامیان سیاست، همگی نمونه‌هایی از لابی‌گرانی هستند که در این فرآیند مشارکت دارند. در اینجا برخی از مزایا و معایب لابی‌گری برای فکر کردن و بحث در مورد آنها آورده شده است.

برخی مزایای لابی‌گری

۱. راهی برای کنترل قدرت اکثریت است. وقتی اکثریت واضحی در یک جایگاه حکومتی وجود دارد، آنها می‌توانند هر قانون قانونی را که بخواهند تصویب کنند. آنها لزوماً به اینکه آن قانون چگونه بر دیگران تأثیر می‌گذارد فکر هم نمی‌کنند. عمل لابی با ارائه داستان‌هایی از کسانی که تحت تأثیر تغییرات خاص قرار می‌گیرند به کاهش این تأثیر کمک می‌کند. گروه‌های خاص می‌توانند از خود دفاع کنند و انصاف بیشتری را در فرآیند حکمرانی ایجاد کنند.

۲. به گونه‌ای انجام می‌شود که توسط همه گروه‌ها سازگار باشد.

همیشه لابی‌هایی وجود خواهند داشت که از روش‌های غیراخلاقی یا غیرقانونی برای نفوذ بر سیاستمداران استفاده می‌کنند. برای افراد یک سیستم تعریف شده وجود دارد که برای همه طرف‌ها سازگاری ایجاد می‌کند. به طور کلی، هر چه سخت‌تر برای دفاع از موقعیت خود تلاش کنید، احتمال بیشتری برای ایجاد نتایجی خواهید داشت که برای هدفتان مفید هستند. شما هنوز این گزینه را دارید که نظر خود را بیان کنید. شما می‌توانید در همان زمان پیشنهادهایی را ارائه دهید.

۳. با مقامات منتخب روابط برقرار می‌کند.

بسیاری از مقامات منتخب برای نشان دادن بهترین آرزوهای منطقه خود به دولت می‌روند. بیشتر آنها از وجدان شخصی خود برای هدایت نحوه رأی دادن به برخی از قوانین استفاده می‌کنند. تلاش‌های لابی برای ایجاد روابط با این مقامات برای ایجاد ثبات در آرمان‌گرایی کار می‌کند. وقتی سیاستمداران احساس می‌کنند که جوامعشان با اعتقاداتشان هماهنگ هستند، رأی دادن به مواردی که به نفع گروه‌های محلی است آسان‌تر می‌شود.

۲ اصطلاح «درب گردان» به جابجایی کارمندان رده بالا از مشاغل بخش دولتی به مشاغل بخش خصوصی و بالعکس اشاره دارد.



۴. به افراد متوسط صدای قوی تری در دولت می دهد.

لابی کردن فرآیندی است که در آن افراد همفکر گرد هم می آیند تا برای یک هدف خاص حرکت ایجاد کنند. هر کسی می تواند با مقام منتخب خود تماس بگیرد تا موضع خود را در مورد هر موضوعی ارائه دهد. برای یک سیاستمدار آسان است که صدای یک نفر را نادیده بگیرد. از طریق لابی کردن، یک نفر هنوز صدایی را به سیاستمدار پیشنهاد می کند تا بشنود. با این حال، لابی گر به جای اینکه فقط خود را نمایندگی کند، ممکن است نماینده ده ها هزار نفر باشد.

۵. راهی برای ارائه راه حل است.

مقامات منتخب همیشه از نیازهای گروه های خاصی در جامعه خود آگاه نیستند. لابی ها امکان روشن کردن موقعیت های مشکل ساز را فراهم می کنند. آن ها می توانند راه حل هایی ارائه دهند که می تواند تأثیر مثبت و فوری برای افراد آسیب دیده داشته باشد. این امر تدوین قانون را آسان تر می کند، زیرا مقامات منتخب می توانند برای یافتن راهی به جای تحقیقات خود، بر تحقیقات لابی گر تکیه کنند.

۶. به مردم اجازه می دهد تا از نظر سیاسی فعال شوند.

سازمان های متعددی هر ساله روی لابی گری کار می کنند. آنها به کمک نیاز دارند تا با مقامات منتخب در مورد دلایلی که برای آنها مهم است ارتباط برقرار کنند. این سازمان ها راهی را برای همه کسانی که علاقه مند به لابی گری هستند فراهم می کنند تا از نظر سیاسی فعال شوند. برخی از کارفرمایان از کارگران دعوت می کنند تا از این طریق نیز از نظر سیاسی فعال شوند و از کار لابی گری بیشتر حتی در ساعات کاری برنامه ریزی شده حمایت می کنند.

۷. درآمدهایی ایجاد می کند که به دیگران کمک می کند.

لابی کردن بیشتر از جلب توجه یک سیاستمدار خاص است. همچنین زمانی که به درستی انجام شود توجه بقیه افراد جامعه را به خود جلب می کند. بسیاری از اشکال لابی، از اعتراض گرفته تا طومار نویسی و راهپیمایی، توجه عمومی را به هدف مورد بحث جلب می کند. این فعالیت ها به جمع آوری پول برای آن هدف و گسترش آگاهی به دیگران کمک می کند. این روند به افراد بیشتری اجازه می دهد تا بدون پرداخت بار مالی سنگین برای تحقق آن، از نظر سیاسی فعال باشند.

۸. به هر کسی اجازه می دهد که درگیر شود.

برای لابی گری بودن به آموزش خاصی نیاز ندارد. تنها چیزی که لازم است این است که برای چیزهایی که فکر می کنید درست هستند بجنگید. هر کسی می تواند برای سیاستمداران خود نامه بنویسد. می توانید همین الان به یکی از آنها ایمیل بفرستید. می توانید تلفن را بردارید تا با نماینده خود در مورد موضوعی که برای شما مهم است تماس بگیرید. لابی کردن فرآیندی است که همه را به میز دعوت می کند تا گفتگو کنند.

۹. می توان بدون هیچ هزینه ای برای فرد شروع کرد.

بسیاری از مردم از طریق سرمایه گذاری زمان درگیر لابی می شوند. برای اینکه یک لابیگر فعال باشید، بار مالی لازم نیست. تا زمانی که به کامپیوتر یا تلفن دسترسی دارید، می توانید بلافاصله با شخصی تماس بگیرید تا روند لابی را آغاز کنید. بدون این موارد، هنوز می توانید با یک نامه و هزینه یک تمبر، با مقامات منتخب لابی کنید. وقتی به درستی مدیریت شود، لابی کردن یک راه مقرون به صرفه برای تماس با سیاستمداران است تا نظر شما را بیان کند.

برخی معایب لابی گری

۱. بر اساس نیازهای اقلیت است.



اکثریت در دولت به لابی گر نیاز ندارد زیرا می تواند از خود دفاع کند. در هر صورت، اکثریت از لابی ها برای ایجاد تبلیغات برای یک دیدگاه خاص استفاده می کند. این بدان معناست که بیشتر تلاش های لابی گری برای تامین نیازهای اقلیت است. آنچه می تواند برای یک گروه اقلیت مفید باشد ممکن است برای دیگران مفید نباشد.

۲. کوششی برای رسیدن به اهداف شخصی است.

لابی صرفاً تامین کننده نیازهای شخصی است. این بدان معناست که هیچ کوششی در مورد عناصر دیگر در یک جامعه صورت نگیرد. از آنجایی که سایر لابی ها همین کار را انجام می دهند، می توانند فرآیندی باشند که سر و صدای زیادی ایجاد کرده ولی مخاطبان کمی را در برگیرند.

۳. فقط برای گروه خاصی می تواند موثر باشد.

برای موثر بودن در لابی گری، پول لازم است. گروه هایی که منابع عمیقی در اختیار دارند عموماً نسبت به گروه هایی با منابع محدود در آن موفق تر خواهند بود. اگرچه در هر شرایطی استثنائاتی وجود دارد، اما بسیاری از تلاش های لابی هماهنگی که در سطح جهانی در دولت ها انجام می شود، برای حمایت از طبقات ثروتمند یا ممتاز طراحی شده اند. فقرا و افراد فقیر اغلب به حال خود رها می شوند تا حمایت مورد نیاز خود را پیدا کنند.

۴. می تواند غیرقانونی باشد.

لابی گری می تواند روش موثری برای تشویق نظرات و قوانین جدید باشد. همچنین ممکن است بی اثر باشد. برای ایجاد بیشترین تأثیر ممکن، لابی ها ممکن است به برخی از سیاستمداران رشوه بدهند تا به یک نتیجه خاص دست یابند. آنها ممکن است مردم را تهدید کنند که با راه حل های ارائه شده مطابقت کنند. فساد و کلاهبرداری از امکاناتی هستند که در دنیای لابی نیز یافت می شوند. این امر می تواند جداسازی لابی گران اخلاقی را از لابی های غیراخلاقی دشوار کند.

۵. نحوه عملکرد دولت را تغییر می دهد.

با توجه به اینکه سالانه میلیاردها دلار صرف تلاش های لابی گری در ایالات متحده می شود، ممکن است دولت بیشتر بر اراده لابی گران تمرکز کند تا اراده مردم. هنگامی که این وضعیت رخ می دهد، حالتی ایجاد می کند که از آن به عنوان «هیپر کثرت گرای» یاد می شود. حتی اگر جوامع به شدت از تصویب قوانین انتقاد کنند، اگر لابی گران موافق آن قانون باشند، دولت ممکن است به جای توجه به منافع جامعه، از طرف آنها عمل کند.

۶. برای ارائه راه حل نیاز به تجربه دارد.

فقط به این دلیل که هر کسی می تواند در یک تلاش لابی شرکت کند به این معنی نیست که صدای آنها شنیده می شود. زمانی که تجربه شخصی پشت گفتگو وجود دارد، مردم تمایل دارند به لابی گران گوش دهند. اگر کسی نتواند ثابت کند که اعتبار لازم برای بحث در مورد یک موضوع خاص یا ارائه راه حلی آگاهانه را دارد، در این صورت نظر او اغلب برای شخصی با تخصص بیشتر رد می شود. حتی ظاهر یا درک بی تجربگی، حتی اگر موجه نباشد، می تواند برای متوقف کردن تلاش لابی قبل از شروع آن کافی باشد.

۷. ممکن است کار نکند.

حتی بهترین لابی ها هم گهگاه طرد می شوند. هیچ تضمینی وجود ندارد که کسی به حرف های شما گوش دهد. برخی ممکن است وانمود کنند که گوش می دهند، سپس به سمتی جداگانه بروند. لابی گری دنیایی است که پر از عدم اطمینان است. مزایا و معایب لابی گری به ما نشان می دهد که وقتی از نظر اخلاقی به کار گرفته می شود، می تواند نیروی خوبی باشد. همچنین زمانی که دولت برای یک گروه لابی گر و نه برای گروه های دیگر اقدام می کند، می تواند آسیب غیرمنتظره ای برای گروه های



خاصی در جامعه ایجاد کند. وقتی توازن در حکومت وجود داشته باشد، فرصت ایجاد یک جامعه پر رونق به وجود می آید. این هدف نهایی لابیست است. (ویتانا، ۲۰۱۸)

روش های لابی گری و تاثیرگذاری بر مقامات دولتی و سیاست های عمومی

لابی گری به عنوان راهی برای نفوذ و اطلاع رسانی به دولت ها، حداقل برای دو قرن بخشی از دموکراسی بوده است. اصطلاح «لابی» به طور سنتی به عنوان «ارتباط شفاهی یا کتبی با یک مقام دولتی برای تأثیرگذاری بر قوانین، سیاست ها یا تصمیمات اداری» تعریف شده است. (سازمان توسعه همکاری های اقتصادی، ۲۰۱۰) با این حال، راه هایی که گروه های ذینفع از طریق آن بر دولت ها تأثیر می گذارند فراتر از این تعریف است و در سال های اخیر نه تنها از نظر بازیگران و شیوه های درگیر، بلکه از نظر زمینه های که در آن فعالیت می کنند نیز تکامل یافته است. (بناموزیگ و کورتیناس، ۲۰۱۹؛ میالون، سوئینبرن و ساکس، ۲۰۱۵)

بازیگران، شیوه ها و زمینه های فعالیت آنها عبارتند از:

- ❖ فعالیت های لابی از طریق عقد قرارداد با شرکت های لابی حرفه ای یا روابط عمومی، شرکت های حقوقی و لابی گران خوداشتغالی که مأموریت دارند منافع یک سازمان را نمایندگی کنند انجام می شود. این شرکت ها یا افراد که معمولاً در مراکز کلیدی تصمیم گیری تأسیس می شوند، دانش عمیقی از فرآیندهای سیاست گذاری در یک کشور خاص دارند و می توانند پیچیدگی های سازمانی را بهتر هدایت کنند. در کشورهایی که مقررات لابی گری دارند، از این بازیگران اغلب به عنوان «لابی گر مشاور» یاد می شود. چنین عواملی نشان دهنده چیزی هستند که به طور سنتی به عنوان لابی گری شناخته می شود.
- ❖ لابی کردن مستقیم توسط شرکتها، معمولاً از طریق امور دولتی یا ادارات امور عمومی و لابی گران داخلی.
- ❖ لابی گری غیر مستقیم از طریق انجمن های صنعتی یا انجمن های تجاری.
- ❖ کمک به احزاب سیاسی، نامزدها و مبارزات انتخاباتی، از جمله از طریق انجمن های تجاری و سازمان های شخص ثالث.
- ❖ افزایش استفاده از رسانه های سنتی و اجتماعی برای شکل دادن به بحث های مربوط به سیاست، اطلاع رسانی، اطلاعات نادرست یا متقاعد کردن مردم برای اعمال فشار بر سیاست گذاران و تأثیر غیرمستقیم بر فرآیند تصمیم گیری دولت.
- ❖ استفاده از هدایا و افتخارات برای تأثیرگذاری غیرمستقیم بر نخبگان، شاغلین و سیاست گذاران.
- ❖ جابجایی مقامات دولتی، مدیران بخش خصوصی و کارشناسان بین بخش دولتی و خصوصی (به اصطلاح پدیده «درب های گردان»).
- ❖ نفوذ منافع ویژه از طریق مشارکت در ترتیبات نهادی تأسیس شده مانند گروه های مشاوره ای و کارشناسی دولتی، یا گروه های بین گروهی پارلمانی.
- ❖ نفوذ منافع تجاری و سیاسی خارجی از جمله دولت های خارجی و سازمان های وابسته به آنها، مانند شرکت های دولتی، سازمان های غیردولتی و گروه های رسانه ای تحت حمایت دولت، و انجمن های فرهنگی از طریق لابی گری و سایر اقدامات ذکر شده در بالا.
- ❖ نفوذ در وضع سیاست های دولت توسط و از طریق سازمان های غیر دولتی. سازمان های غیردولتی (NGO) یکی از بزرگ ترین و متنوع ترین گروه های بازیگران غیردولتی هستند که بر فرآیندهای سیاست گذاری تأثیر می گذارند. زمانی که به دنبال افزایش تمرکز بر روی یک موضوع سیاستی هستند، به ویژه از طریق تحقیق و حمایت شیوه های لابی گری آن ها مشابه اقدامات سایر ذینفعان است. این سازمان ها چه مردمی، چه توسط کسب و کارها و چه توسط دولت، وجوهی را اغلب از شرکت ها، دولت ها یا افرادی که منافع و موقعیت های سیاسی خاصی را نمایندگی می کنند دریافت می کنند. (علاءالدینی، ۱۴۰۱، ص ۵۰ به نقل از کولی و آدریانسن، ۲۰۱۸)



- ❖ نفوذ از طریق مؤسسات دانشگاهی (دانشگاهها و مراکز تحقیقاتی دانشگاه) یا کارشناسان و متخصصان مشهور که می توانند بحث های عمده را در مورد سیاست های کلیدی شکل دهند و/یا نتایج مطلوبی را برای برخی از علایق ایجاد کنند.
- ❖ نفوذ از طریق اندیشکده ها و سایر مؤسسات سیاست گذاری برای ارائه دانش در مورد موضوعات سیاستی خاص و پیشنهاد راه حل های خط مشی.

مخاطرات و تهدیدات لابی گری در بخش عمومی

یکی از عوامل کلیدی که باید در نظر گرفت، بمباران اطلاعات در قرن بیست و یکم است که در مواقعی متناقض است و در آن اغلب میلیون ها نفر ناآگاه تلاش می کنند تا بر ادراک عمومی و دولت ها در مسیرهایی مانند رسانه های اجتماعی تأثیر بگذارند. این امر موضوع لابی گری و نفوذ را بیش از هر زمان دیگری پیچیده و بحرانی کرده است. این امر یک محیط چالش برانگیز برای سیاست های عمومی به طور کلی ایجاد کرده است که منجر به دوقطبی شدن، کاهش اعتماد به نهادها و در موارد شدید، افزایش پوپولیسم می شود (علاءالدینی، ۱۴۰۱، ص ۵۱ به نقل از کلین و رابیسون، ۲۰۱۹). امروزه در عصر افزایش دسترسی به اطلاعات و استفاده از رسانه های اجتماعی، مقامات دولتی در معرض سطح بالایی از نظارت دائمی عمومی هستند که شهرت آنها را در معرض خطر برداشت ها یا ارائه های نادرست قرار می دهد. بنابراین، این زمینه جدید اغلب می تواند دامنه اقدامات و انتخاب های سیاستی دولت ها را محدود کند. شرکت ها نیز به نحو مشابهی با سطوح دقیق تری از نظارت از جانب افکار عمومی و از سوی سهامداران و سرمایه گذارانی که شاهد فقدان روزافزون شفافیت در فرایند لابی گری و مشارکت های سیاسی آنها هستند دست به گریبانند و ناهماهنگی های حاکم بر رویکرد آنها در قبال مسائل اجتماعی، اعتبار تجاری شان را به عنوان یک خطر سرمایه گذاری تهدید می کند.

علاوه بر مسائل پیچیده و خطرات مرتبط با لابی گری، تصور افزایش تصرف سیاست ها نیز مطرح است (علاءالدینی، ۱۴۰۱، ص ۵۰ به نقل از ادلمن، ۲۰۲۰؛ بلاژک، آینده). در این فرآیند، تصمیمات عمومی در مورد قوانین، مقررات یا سیاست ها به طور مداوم یا مکرر به دور از منافع عمومی و به سمت منافع یک گروه با منافع محدود هدایت می شود. این امر در حال حاضر منجر به درخواست گروه های ذینفع خاص (معمولاً سازمان های غیردولتی) برای حذف کامل گروه های ذینفع مانند بخش خصوصی از بحث های سیاست عمومی شده است. حتی ممکن است به معنای تلاش برای حذف صنعت مربوطه از بحث در مورد یک موضوع سیاستی معین باشد، چیزی که با اصول اساسی مشارکت دموکراتیک مغایرت دارد.

بنابراین، این پیچیدگی مستلزم فراگیری شفافیت و صداقت موثر در فرآیند سیاست گذاری است. برای نیل به این مقصود، لازم است علاوه بر درک و پرداختی عمیق به نیازهای لابی گری، نسبت به رفع خلأهای قانونی، حذف فعالیت های زائد و از همه مهم تر، تغییر افکار عمومی و افزایش اعتماد نسبت به فرایندهای سیاست گذاری اقدام شود. پرداختن به ماهیت سیاست های مورد نیاز و همینطور نحوه اطلاع رسانی، طراحی و شکل دهی به اینگونه سیاست ها بر اساس دیدگاه های مختلف، با هدف غلبه بر افزایش نظارت ها و کاهش خطرات مربوط به کاهش اعتبار دولت ها و کسب و کارها امری ضروری به شمار می آید. در عین حال این موضوع نقشی کلیدی در طراحی و اجرای سیاست های مورد نیاز برای مقابله با چالش های بزرگ جهانی ایفا خواهد کرد. در نتیجه، افزایش شناخت نسبت به مقوله ی لابی گری در همه ی اشکال و همینطور درک اهمیت شفافیت و صداقت آن، می تواند برای تمامی گروه های ذینفع از جمله فعالان تجاری، لابی گرها، سیاست گزاران، و دولت ها امری سودمند تلقی شود.

سوءاستفاده از شیوه های لابی نیز تأثیر گسترده ای بر کل اقتصاد دارد. تأثیرگذاری بر فرآیند سیاست گذاری تنها با ترویج منافع خاص، این خطر را به همراه دارد که مقررات لازم برای اصلاح شکست ها یا انحرافات بازار کنار گذاشته شود. همچنین ممکن است منجر به وضع مقررات بیش از حد برای حمایت از متصدیان شده و در نتیجه رقابت را کاهش دهد و رشد اقتصادی و ایجاد شغل کمتری را به دنبال داشته باشد.



شواهد حاصل از تحقیقات بین کشوری در سطح شرکت‌ها نشان می‌دهد که شرکت‌های بخش‌های تنظیم‌شده‌تر نسبت به شرکت‌هایی که از بازارهای صادرات محور یا رقابتی‌تر هستند، تمایل بیشتری به لابی‌گری دارند. این امر می‌تواند نشان‌دهنده این موضوع باشد که شرکت‌های فعلی در بازارهای تنظیم شده‌تر ممکن است در سیاست‌های دولت برای حفظ این مقررات لابی کنند. این کار به نوبه خود بازارها را مخدوش می‌کند و می‌تواند ابتکارات سیاستی را که به دنبال افزایش رقابت، ترویج فراگیر و بنابراین کاهش اجاره‌های اضافی شرکت‌های فعلی هستند را کاهش دهد. (علاءالدینی، ۱۴۰۱، ص ۵۱ به نقل از دلیس و سوندرمن، ۲۰۱۷؛ لاپوتکووا و استانکووا، ۲۰۱۶)

همچنین لابی‌ها ممکن است تلاش کنند سازمان‌های استاندارد و صدور گواهینامه را برای وضع استانداردهای خاصی تشویق کنند که رقابتی آنها امکان رعایت آنها را نداشته باشند. در نتیجه به طور قانونی، ورود رقبا به بازارهای خاص را به تأخیر انداخته یا از آن جلوگیری می‌کنند. لابی‌گری بر رقابت و در نتیجه بر بهره‌وری، نوآوری و رشد تأثیر می‌گذارد. قوانین برای مشارکت ذینفعان در طراحی مقررات جدید و تضمین شفافیت فعالیت‌های لابی‌گری به شاخص‌های کلیدی برای سنجش کیفیت مقررات از نظر توانایی آنها در تشویق رقابت تبدیل شده است.

حوزه های لابی

لابی‌گری در برخی بخش‌ها از سایر بخش‌ها اهمیت بیشتری دارد. به عنوان مثال، بیش از یک چهارم (۲۸٪) از کل هزینه‌های لابی شرکتی در سطح فدرال در ایالات متحده در سال ۲۰۲۰ بین منافع شرکت‌ها در صنایع داروسازی، الکترونیک، بیمه، املاک و مستغلات و صنایع نفت و گاز و همچنین انجمن‌های تجاری تقسیم شده است.

به طور مشابه، شواهد به دست آمده از ثبت فعالیت‌های لابی‌گری و انتشار برنامه‌های مقامات دولتی نشان می‌دهد که لابی‌گری در موضوعات دیجیتال، موضوع سیاستی است که کمترین تنوع ذینفعان را در بر می‌گیرد و در تعداد انگشت شماری از شرکت‌ها متمرکز شده است (شفافیت بین‌المللی، ۲۰۱۸). شرکت‌های بزرگ فناوری در سال‌های اخیر هزینه‌های لابی خود را به میزان قابل توجهی افزایش داده‌اند و به سرمایه‌گذاران اصلی لابی در مراکز کلیدی مانند واشنگتن و بروکسل تبدیل شده‌اند تا بر بحث‌های سیاستی مثلاً مالیات، بی‌طرفی شبکه، حریم خصوصی مصرف‌کننده، حفاظت از داده‌ها و رقابت تأثیر بگذارند. (هارت، ۲۰۱۱؛ مینجونگ، جو چونگ و هیون کیم، ۲۰۱۱؛ تزور، ۲۰۱۹). در ایالات متحده، هزینه‌های لابی‌گری در بخش فناوری بین سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۲۰ به میزان ۴۱۲ درصد افزایش یافته است. در اتحادیه اروپا، مسائل دیجیتال نیز از جمله هدفمندترین مجموعه‌های کمیسران اتحادیه اروپا از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۹ بوده است. در حالی که این امر یک توسعه مشروع و مورد انتظار است و منجر به وضع سیاست‌های آگاهانه‌تر در این زمینه می‌شود، اما ریسک‌هایی را نیز در بر می‌گیرد.

علیرغم درک کلی از خطراتی که لابی‌گری برای اقتصاد و حوزه‌های سیاستی از هر نوع ایجاد می‌کند، به نظر می‌رسد که این خطرات دست کم گرفته شده‌اند. خطرات به ندرت در چارچوب اصلاحات در حوزه‌های مختلف سیاستی مورد توجه قرار می‌گیرند. به طور مشابه، تنها تعداد کمی از کشورها در سطح جهان برای رسیدگی به چنین خطراتی در ترتیبات حکمرانی خود اقدام کرده‌اند.

با توجه به تأثیر عمیق و گسترده لابی‌گری، تحقق اهداف توسعه پایدار سازمان ملل (SDGs) تا سال ۲۰۳۰ نیازمند چارچوب‌های حکمرانی است که تضمین می‌کند فعالیت‌های لابی‌گری با افزایش دسترسی ذینفعان به تأثیرگذاری بر طراحی و اجرای سیاست‌های عمومی شفاف‌تر می‌شود. این امر نیز برای حصول اطمینان از یک رویکرد مبتنی بر شواهد که اعتماد به فرآیندهای سیاست‌گذاری برای طراحی، اجرا و ارزیابی مداخلات و سیاست‌های عمومی را حفظ می‌کند، حیاتی خواهد بود (سازمان توسعه همکاری اقتصادی، ۲۰۲۰).



شفاف سازی لابی

بی شک لابی گران و لابی گری یکی از مهمترین ظرفیت هایی است که کشورها می توانند آن را به رسمیت شناخته و با وضع قوانین و ضوابط لازم نسبت به قانونمند نمودن و استفاده از آن در بهبود و ارتقاء سیاست های عمومی اقدام نمایند. همانطور که قبلا هم گفته شد، وجود لابی در بخش عمومی اجتناب ناپذیر است و کشورهایی که آن را به رسمین نشناسند قطعا از لابی گران و لابی های پنهان موجود آسیب خواهند دید. لذا کشورها باید متناسب با اکوسیستم سیاسی و حکمرانی خود اقدام به تصویب اصول و ضوابطی برای نظام مند و قانونمند کردن لابی گری در بخش عمومی خود نمایند. اصول و ضوابطی که هم لابیست ها و هم مقامات و مسوولان دولتی سطوح و بخش های مختلف بدان پایبند باشند. اصلی ترین وجه الزامات لابی شفافیت است که می تواند حوزه های لابی، لابیست ها و مقامات دولتی لابی کننده با لابی گران را شفاف نموده تا برای عامه مردم و نهادهای نظارتی قابل رصد و کنترل باشد.

شفافیت لابی ابزاری است که امکان بررسی عمومی فرآیند تصمیم گیری عمومی را فراهم می کند. به این ترتیب، طرفداران تشویق می شوند تا «ذینفعان از جمله سازمان های جامعه مدنی، مشاغل، رسانه ها و عموم مردم را قادر سازند تا فعالیت های لابی گری را بررسی کنند» (سازمان توسعه همکاری اقتصادی، ۲۰۱۰).

هنگام طراحی قوانین یا دستورالعمل هایی در مورد لابی گری، به ویژه برای ایجاد شفافیت و اجازه بررسی عمومی، از طرفداران خواسته می شود که اصطلاحات «لابی گری» و «لابی گر» را هنگام تدوین قوانین و دستورالعمل های لابی گری به وضوح تعریف کنند.

علاوه بر این، الزامات شفافیت نمی توانند به هدف خود دست یابند مگر اینکه بازیگران منتخب با آنها مطابقت داشته باشند و نهادهای نظارتی به طور مؤثر آنها را اجرا کنند. بنابراین، اصول لابی گری، طرفداران را تشویق می کنند تا «طیف منسجمی از استراتژی ها و مکانیسم ها» را برای اطمینان از انطباق با الزامات شفافیت اجرا کنند. همچنین اصول لابی گری از طرفداران می خواهد که عملکرد قوانین و دستورالعمل های مربوط به لابی گری را به صورت دوره ای بررسی کنند و با توجه به تجربه، اصلاحات لازم را انجام دهند.

در سال ۲۰۲۰، ۱۸ کشور دارای ثبت عمومی اطلاعات لابی گران و/یا فعالیت های لابی بودند. برخی کشورها مسئولیت را بر دوش مقامات دولتی گذاشته و از آنها خواسته اند اطلاعات مربوط به جلسات خود را از طریق به اصطلاح «برنامه های باز» افشا کنند. با این حال، سطوح شفافیت در کشورهای مختلف متفاوت است و برخی از اقدامات موجود تنها شفافیت محدودی را در مورد فرآیند نفوذ ارائه می کنند.

در یک مطالعه انجام شده، پاسخ دهندگان عمدتاً شفافیت لابی را مثبت می دانند. به طور متوسط، ۸۰ درصد از پاسخ دهندگان شفافیت لابی را درک می کنند. به گفته پاسخ دهندگان، لابی شفاف بیشتر مشروعیت تصمیم گیری و مسئولیت پذیری را افزایش می دهد، اعتماد سیاستمداران و مقامات را افزایش می دهد، کیفیت تصمیمات دولت را بهبود می بخشد و کیفیت آن را افزایش می دهد، اصول دموکراتیک را افزایش می دهد و فساد را محدود می کند. اظهارات بررسی شده در مورد تأثیر لابی شفاف بر کیفیت اطلاعات، تصمیم گیری و روابط حتی بهتر درک می شود. تقریباً ۹۰ درصد از پاسخ دهندگان به طور کامل یا تا حدی با این جمله موافق هستند. در صورت ایجاد فشار بر افزایش پذیرش مسئولیت تصمیم گیری ها و افزایش برابری ذینفعان نسبت به فرآیند تصمیم گیری، سطح توافق به حداکثر توافق خواهد رسید. (لوسی ونوچکووا و میلان ژاک، ۲۰۱۷).

بررسی های بعمل آمده نشان داد که سازمان توسعه همکاری های اقتصادی، اصولی را برای کشورهای عضو خود در موضوع لابی گری وضع نموده و سالانه وضعیت اجرای آن در کشورهای مذکور را رصد می نماید. توصیه نامه دستورالعمل مذکور ۱۰ اصل را برای لابی گری در حوزه های شفافیت، صداقت و دسترسی همگان به لابی وضع نموده است که در ادامه آورده شده است. (سازمان توسعه همکاری های اقتصادی، ۲۰۱۰).



الف. ایجاد یک چارچوب موثر و منصفانه برای باز بودن و دسترسی

۱. کشورها باید با اعطای دسترسی عادلانه به همه ذینفعان جهت مشارکت در توسعه و اجرای سیاست های عمومی، زمینه بازی برابر را فراهم کنند.
۲. قواعد و رهنمودهای مربوط به لابی گیری باید به نگرانی های حاکمیتی مربوط به شیوه های لابی گیری رسیدگی کند و به زمینه های سیاسی-اجتماعی و اداری احترام بگذارد.
۳. قوانین و رهنمودهای لابی گیری باید با چارچوب های گسترده تر سیاست ها و مقررات سازگار باشد.
۴. کشورها زمانی که قوانین و دستورالعمل هایی را در مورد لابی گیری در نظر می گیرند یا تدوین می کنند، باید اصطلاحات "لابی گیری" و "لابی گر" را به وضوح تعریف کنند.

ب. افزایش شفافیت

۵. کشورها باید سطح کافی از شفافیت را برای اطمینان از اینکه مقامات دولتی، شهروندان و مشاغل می توانند اطلاعات کافی در مورد فعالیت های لابی به دست آورند، ارائه دهند.
۶. کشورها باید ذینفعان - از جمله سازمان های جامعه مدنی، مشاغل، رسانه ها و عموم مردم - را قادر سازند تا فعالیت های لابی را مورد بررسی قرار دهند.

ج. پرورش فرهنگ صداقت

۷. کشورها باید فرهنگ صداقت را در سازمان های عمومی و تصمیم گیری با ارائه قوانین و دستورالعمل های رفتاری روشن برای مقامات دولتی پرورش دهند.
 ۸. لابی ها باید استانداردهای حرفه ای و شفافیت را رعایت کنند. آنها مسئولیت ترویج فرهنگ شفافیت و صداقت در لابی را دارند.
- د. مکانیسم هایی برای اجرای مؤثر، انطباق و بررسی
۹. کشورها باید بازیگران کلیدی را در اجرای طیف منسجمی از استراتژی ها و شیوه ها برای دستیابی به انطباق مشارکت دهند.
 ۱۰. کشورها باید عملکرد قوانین و دستورالعمل های مربوط به لابی گیری را به صورت دوره ای بازبینی کنند و با توجه به تجربه، اصلاحات لازم را انجام دهند.
- سازمان توسعه همکاری های اقتصادی وضعیت قانونمندی لابی گیری در کشورهای مختلف را سنجیده و یافته های زیر نتیجه گزارش مذکور است؛

- ◆ شفافیت در مورد حوزه های هدف لابی محدود است.
- ◆ شفافیت در مورد افرادی که فعالیت های لابی انجام می دهند محدود است.
- ◆ شفافیت بیشتری در مورد اشکال نفوذ مورد نیاز است.
- ◆ اطلاعات افشا شده معمولاً ناقص است و اجازه بررسی عمومی را نمی دهد.
- ◆ تعامل با لابی گران و ابزارهای دیجیتال برای ارتقای انطباق استفاده می شود.
- ◆ ممیزی و بررسی قوانین و دستورالعمل های لابی گیری محدود است.

مطالعات و بررسی های صورت گرفته در خصوص شفافیت لابی گیری، چندین وضعیت را برای لابی شفاف در نظر گرفته است که در ادامه به آنها پرداخته شده است؛



الف) لابی غیرشفاف

نشان دهنده وجود لابی غیرشفاف بدون اتخاذ تدابیری برای افزایش شفافیت در تصمیم گیری و فرآیند قانون گذاری است. خطر ناشی از حفظ وضعیت عدم شفاف، تأثیر منفی بر ایجاد سیاست های عمومی و اتخاذ تصمیم ها از منظر پیشبرد احتمالی منافع پنهان یا ترجیح دادن برخی از منافع بر سایرین و همچنین بر مردمی است که اعتماد آنها را جلب می کند. (پاولا بدنارووا، ۲۰۱۸)

ب) شفافیت لابی گری از سوی لابیگران

این گزینه بیانگر اتخاذ تدابیری برای افزایش شفافیت لابی گری است که از سوی لابیگران انجام می شود. لابیست ها افرادی هستند که به طور سیستماتیک و سازمان یافته تلاش می کنند تا بر روند قانون گذاری و تصمیم گیری مقامات دولتی تأثیر بگذارند. اقدامات مرتبط با این وضعیت عبارت است از؛

- ◆ ثبت نام لابی گران - شرایط و الزامات اولیه که باید قبل و/یا در طول فرآیند ثبت نام رعایت شود، از جمله اطلاعات اولیه در مورد لابی گران.
- ◆ کدهای اخلاقی / کدهای رفتاری برای لابی گران با مجازات های مؤثر.
- ◆ افشای منظم فعالیت های لابی گران، به ویژه شناسایی تاریخ تماس، موضوع تماس لابی، مؤسسه و شخص مورد تماس، مشتری/کارفرمای لابی گر؛ گاهی اوقات داده های مالی مورد نیاز خواهد بود.
- ◆ باز کردن تقویم جلسات با همه تصمیم گیرندگان.

ج) شفافیت لابی از نقطه نظر (موضوع) اهداف لابی

بر افزایش شفافیت لابی گری بر منظر اهداف لابی متمرکز است. اینها عمدتاً موضوعات لابی هستند، یعنی کارشناسان دولتی که شامل نمایندگان مجلس، اعضای دولت، مقامات عالی می شوند اما مشاوران و دستیاران کارشناسان عمومی (عمدتاً نمایندگان مجلس و سناتورها) نیز می توانند شامل شوند. اقدامات مرتبط با این وضعیت عبارت است از؛

- ◆ منشورهای اخلاقی / منشورهای رفتاری برای نمایندگان مجلس، وزراء، کارکنان خدمات کشوری.
- ◆ مقررات درهای گردان (جداسازی قبل و بعد از استخدام).
- ◆ باز کردن تقویم جلسات (روزشمار قرار ملاقات) همه تصمیم گیرندگان.
- ◆ تنظیم تضاد منافع.
- ◆ اعلام دارایی (مالی)، درآمد و/یا سفرهای حقیقت یاب.

د) شفافیت لابی گری با وضع اصول و قوانین

افزایش شفافیت لابی گری با استفاده از قوانین و اصول موسوم به آفتاب (یعنی قوانین مربوط به روند قانون گذاری، قوانین تصمیم گیری، قوانین مربوط به مشاوره، ردپای قانونی، داده های دولت باز، بودجه احزاب سیاسی و آزادی اطلاعات) به صورت تقنینی یا غیرقانونی حاصل می شود. با اتخاذ و رعایت این قوانین، افزایش شفافیت در کلیه فرآیندهای تصمیم گیری و قانون گذاری در کل جامعه حاصل می شود. اقدامات مرتبط با این وضعیت عبارت است از؛

- ◆ قوانین روشن و شفاف در مورد روند قانون گذاری - محدودیت تغییرات تک تک نمایندگان مجلس.
- ◆ قوانین مربوط به تصمیم گیری دولتی در بخش عمومی.
- ◆ قوانین مربوط به مشاوره با مردم، جامعه مدنی، گروه های ذینفع، نهادهای حرفه ای و غیره.



- ♦ رد پای قانونی و/یا سایر اعلامیه های ارگان ها/سازمان های مورد مشورت؛
- ♦ برنامه کار قانونگذاری پیشنهادی؛
- ♦ داده های دولت باز (OGD 2007).
- ♦ تنظیم تأمین مالی احزاب سیاسی (محدودیت های کمک های مالی و هزینه های لابی ها).
- ♦ قانون آزادی اطلاعات.

ح) نقش نظارت و تحریم در افزایش شفافیت لابیگری

نظارت و اعمال تحریم ها عمدتاً با اتخاذ تدابیر قانونی مرتبط است و منافع آن به عملکرد یک مرجع بازرسی و اعمال و اجرای تحریم های تعیین شده در صورت نقض قوانین مربوط می شود. حتی در مورد اقدامات غیرقانونی نیز می توان سطح خاصی از کنترل را انجام داد. در اینجا فقط می توان اظهارات کلی را بیان کرد، اجرای قوانین باید موثر باشد و مجازات ها باید افراد را مجبور به رعایت قوانین کند. موضوع کلیدی نظارت بر فعالیت هاست و دو رویکرد برای انتخاب (و ترکیب) وجود دارد. اطلاعات زیادی را می توان منتشر کرد و در اختیار عموم قرار داد، بنابراین بررسی عمومی فعالیت ها یکی از منابع نظارت است. ثانیاً، می توان یک نهاد مستقل خاص ایجاد شود که تمام داده ها را جمع آوری کند و فقط اطلاعات انتخاب شده را برای عموم منتشر کند. اقدامات پیشنهادی برای افزایش شفافیت لابی گری می تواند به صورت جداگانه یا در ترکیب متقابل عمل کند که می تواند اثرات آنها را در عمل تشدید کند. با توجه به ویژگی های ملی و رویکرد تاریخی، لازم است به طور کامل بررسی شود که کدام یک از اقدامات ممکن و در چه اشکالی باید اعمال شود تا نتایج مورد انتظار حاصل شود. (پیتر ویمتال، ۲۰۱۸)

اقدامات پیشنهادی سازمان توسعه همکاری های اقتصادی (سازمان توسعه همکاری های اقتصادی، ۲۰۱۰) نیز بعنوان اصول لابی گری در سه حوزه شفافیت، صداقت و دسترسی تنظیم شده که در ادامه به برخی از اقدامات شفاف ساز اشاره شده است؛

الف) شفافیت لابی شوندگان

سیاست گذاری در انواع نهادهای عمومی در همه شاخه ها و سطوح دولت صورت می گیرد. بنابراین شفافیت باید درباره سیاست گذاران یا تصمیم گیرندگان، صرف نظر سطح سیاست گذار اعمال شود. با توجه به مراتب مختلف حکمرانی در کشورها و سطوح مختلف استقلال یا خودمختاری بین شاخه ها و سطوح دولت، اجرای این نوع شفافیت در عمل آسان نیست. در نتیجه، اطلاعات در مورد مقامات مشمول فعالیت های لابی محدود است.

در حال حاضر با اینکه اغلب لابی بر قوه مقننه متمرکز است، ولی به طور گسترده پذیرفته شده که در قوه مجریه نیز لابی صورت می گیرد. (به عنوان مثال، برای تأثیر گذاری بر تصویب مقررات یا طراحی برنامه ها و قراردادها). اغلب از دادگاه ها خواسته می شود تا در خلال رویه های قضایی خود یا در نقش خود به عنوان قاضی، نتایج سیاست های عمومی در حوزه های سیاستی مانند حمایت از حقوق اساسی، تجارت و بازرگانی، امنیت ملی، حفاظت از کار یا محیط زیست را تعیین کنند.

به این ترتیب، قوه قضاییه (شامل قضات و دادستان ها) نیز ممکن است تحت تأثیر راهبردهای لابی گری مرتبط با تصمیمات اتخاذ شده در زمینه های پیامدهای اجتماعی قرار گیرند. به همین ترتیب، از طریق راهبردهای نفوذ می توان فرایند انتصاب و انتخاب قضات را به گونه ای برنامه ریزی نمود که تأمین کننده منافع افرادی خاص در خلال رویه های قضایی باشد. با این حال، تنها چهار کشور سطحی از شفافیت را در مورد فعالیت های لابی با هدف قرار دادن قوه قضاییه ارائه می کنند.

شفاف سازی معمولاً بار افشای اطلاعات را بر دوش لابی گرانی می گذارد که باید اقدامات خود را در یک دفتر ثبت لابی اعلام کنند. رویکرد جایگزین و گاهی اوقات اضافی که اتخاذ می شود، این است که مسئولیت مذکور را بر دوش مقامات دولتی هدف فعالیت های لابی گری هستند هم می گذارند. این واگذاری مسئولیت از طریق؛ درخواست از آنها برای افشای اطلاعات مربوط به جلسات خود



با لابی‌گران یا از طریق یک دفتر ثبت، «دستور کارهای باز» و/یا با الزام مقامات دولتی به افشای جلسات خود با لابی‌گران به مافوق خود انجام می‌شود.

حتی اگر اقدامات شفاف‌سازی مربوط به لابی‌گری برای یک یا چند شاخه از دولت قابل اعمال باشد، همه اعضای آن شاخه الزاماً ملزم به تعهدات شفافیت نیستند. الزامات افشا ممکن است بسته به سطح ارشدیت مقام دولتی یا نوع تصمیمات مورد نظر متفاوت باشد. در کشورهای دارای چارچوب شفافیت، وزرا و نمایندگان مجلس معمولاً تحت پوشش اقدامات شفافیت هستند. طراحی، اصلاح و/یا اجرای قوانین (اعم از اینکه در سطح اجرایی یا مقننه مورد بحث قرار گیرد) معمولاً هدف فعالیت‌های لابی و به دنبال آن تصمیم‌ها یا برنامه‌های دولتی و اعطای قراردادهای عمومی، بودجه یا هر مزیت دیگری در نظر گرفته می‌شود. بسیاری از تصمیمات مهم درباره خدمات عمومی مانند خدمات اجتماعی، مراقبت‌های بهداشتی و آموزشی، سیستم رفاه، و همچنین استفاده از زمین، مسکن، برنامه‌ریزی و مسائل زیربنایی و حفاظت از محیط زیست در سطح محلی اتخاذ می‌شود. بنابراین، تمام خطرات شناخته شده مربوط به تأثیر بر تصمیم‌گیری دولت، برای دولت‌های محلی به ویژه در کشورهای فدرال که قدرت‌های مهم تصمیم‌گیری در دولت‌های ایالتی یا منطقه‌ای وجود دارد، قابل اعمال است. اگرچه اصول لابی‌گری برای ارائه راهنمایی به تصمیم‌گیرندگان در هر دو سطح ملی و داخلی طراحی شده است، شفافیت در لابی‌گری هنوز در سطح فراملی دولت استثنا است. در نتیجه، بسیاری از سیاست‌های مهمی که توسط دولت‌های منطقه‌ای یا محلی تدوین می‌شوند، با شفافیت و نظارت عمومی اندک تحت تأثیر قرار می‌گیرند.

ب) شفافیت لابی‌کنندگان

شفافیت کافی در فعالیت‌های لابی‌گری نیازمند اطلاعات در مورد بازیگرانی است که بر سیاست‌های دولت تأثیر می‌گذارند یا درگیر لابی می‌شوند. این کار به معنای شناسایی واضح بازیگران در فرآیند تصمیم‌گیری است که لابی‌گر محسوب می‌شوند. تعریف اینکه چه کسانی باید لابی‌گر تلقی شوند باید قوی، جامع و به اندازه کافی صریح باشد تا از تفسیر نادرست جلوگیری شود و از خلأها جلوگیری شود. با این حال، حتی در کشورهایی که شفافیت در لابی را فراهم می‌کنند، خلأهایی ظاهر می‌شود. نکات زیر مستلزم توجه بیشتر است؛

۱. برخی از بازیگران که بالفعل لابی‌گر هستند همیشه مشمول الزامات شفافیت نیستند. نفوذ بر فرآیندهای سیاست‌گذاری عمومی می‌تواند توسط طیف گسترده‌ای از بازیگران و منافع اعمال شود. برای ایجاد شفافیت و امکان بررسی عمومی، کشورها باید تشویق شوند که «هنگام تدوین قوانین و دستورالعمل‌های مربوط به لابی اصطلاح «لابی‌گر» را به وضوح تعریف کنند. در حالی که اصول لابی از طرفداران می‌خواهد که عمدتاً لابی‌گران پولی را هدف قرار دهند، دولت‌ها تشویق می‌شوند تا دامنه وسیع‌تر و فراگیرتری از اقدامات شفافیت را در نظر بگیرند تا نظارت عمومی بر فرآیندهای تصمیم‌گیری عمومی را افزایش دهند.

تحمیل تدابیر شفافیت به طور مساوی بر تمامی بازیگرانی که هدفشان تأثیرگذاری بر فرآیندهای تصمیم‌گیری است، یک راه‌حل عملی برای افزایش نظارت بر تصمیمات عمومی است. همچنین می‌تواند بررسی مداوم فعالیت‌های لابی‌گری و مشروعیت و قابل اعتماد بودن فعالیت‌هایی را که در آن منافع مختلف نشان داده می‌شود، افزایش دهد (لیون و همکاران، ۲۰۱۸).

۲. برای تعیین مالکان ذینفع شرکت‌هایی که بر فرآیند سیاست‌گذاری تأثیر می‌گذارند، به شفافیت بیشتر نیاز است. اصطلاح "مالک ذینفع" به شخص یا اشخاص حقیقی اشاره دارد که در نهایت مالک یا کنترل مشتری و/یا شخص حقیقی که معامله از طرف او انجام می‌شود. همچنین شامل افرادی می‌شود که کنترل نهایی را بر یک شخص حقوقی یا ترتیبات اعمال می‌کنند. حتی در مواردی که سطح شفافیت نسبت به اینکه چه کسی بر فرآیند سیاست‌گذاری تأثیر می‌گذارد وجود داشته باشد،



نام یک شخص حقوقی ممکن است نشان ندهد که چه کسی مالک ذی نفع است، یا در نهایت چه کسی از فعالیت لابی‌گری سود می‌برد. شفافیت و نظارت مستلزم افشای عمومی مالک ذی نفع شرکت‌هایی است که بر فرآیند سیاست‌گذاری تأثیر می‌گذارند.

۳. در اکثر کشورها شفافیتی در مورد نفوذ دولت‌های خارجی وجود ندارد.

پیچیدگی روزافزون فرآیندهای سیاست‌گذاری داخلی و مذاکرات در سطح بین‌المللی، مرزهای بین لابی و دیپلماسی را از بین می‌برد. دولت‌های خارجی به جای تکیه بر کانال‌ها و فرآیندهای دیپلماتیک سنتی و رسمی، به طور فزاینده‌ای به لابی‌ها و سایر اشکال نفوذ برای پیشبرد اهداف سیاستی خود در سطوح ملی و چند جانبه متکی هستند (کوران و اکهارت، ۲۰۱۷؛ دی بیوری، ۲۰۱۶؛ رونباک، ۲۰۱۵). اگرچه این شیوه‌ها جدید نیستند، اما در سال‌های اخیر گسترش یافته‌اند (توربر، کمبل و دولیو، ۲۰۱۸).

چنین فعالیت‌هایی معمولاً سه هدف اصلی دارند؛ الف) تأثیرگذاری بر فرآیندهای کلیدی دموکراتیک در کشور. ب) تأثیرگذاری بر مواضع سیاست خارجی یک کشور از جمله مواضع آنها در مذاکرات بین‌المللی (مانند آب و هوا، مالیات، تجارت، حفاظت از داده‌ها). ج) تأثیر گذاشتن بر ادراکات دولت، رسانه‌ها و اتباع کشور دیگر از یک کشور مانند لابی‌گری و نفوذ خارجی - چه از طریق کانال‌های دیپلماتیک سنتی و چه از طریق لابی‌ها - که یک فعالیت مشروع است و اگر به شیوه‌ای باز و شفاف انجام شود، می‌تواند نیروی مثبتی در سیاست‌گذاری عمومی باشد. کشورهای سراسر جهان به دنبال تأثیرگذاری بر سیاست‌های داخلی و انتخاب‌های سیاست خارجی سایر دولت‌ها و همچنین مذاکرات و توافق‌های بین‌المللی به‌گونه‌ای هستند که به نفع آنها باشد. خطرات مربوط به فعالیت‌های لابی و نفوذ منافع خارجی برای همه کشورها زیاد است و به نظر می‌رسد بیشتر خطرات، ناشی از فعالیت‌های نفوذ و لابی صرفاً داخلی است. بنابراین باید شفافیت و نظارت عمومی نیز بالا باشد، اما به ندرت چنین است. در کشورهایی که سطحی از شفافیت در مورد فعالیت‌های لابی‌گری وجود دارد، زمانی که یک دولت خارجی از طریق لابی‌گر استخدامی/مشاور به لابی‌گری در کشوری دیگر می‌پردازد، شفافیت وجود ندارد، زیرا فعالیت‌های مربوط به دولت‌های خارجی معمولاً از الزامات شفافیت مستثنی هستند.

ج) شفافیت همه اشکال نفوذ

برای ایجاد شفافیت و امکان بررسی عمومی از بازیگران خواسته می‌شود که اصطلاح "لابی‌گری" را با یک تعریف قوی، جامع و به اندازه کافی صریح برای جلوگیری از تفسیر نادرست و جلوگیری از خلاءها به وضوح تعریف کنند. همچنین الزامات اصلی افشای اطلاعات باید دینفعان لابی را مشخص کند و الزامات افشای تکمیلی باید روشن کند که فشارهای لابی و بودجه از کجا آمده است. این رویکرد جامع برای تعریف لابی‌گری جهت پوشش تأثیر فرآیند سیاست‌گذاری در همه اشکال آن ضروری است. با این حال، نکات زیر نشان می‌دهد که شفافیت بیشتری در مورد همه اشکال نفوذ مورد نیاز است؛

- ◆ شفافیت در فعالیت‌های اصلی لابی محدود است. فعالیت‌های لابی معمولاً در قالب ارتباطات شفاهی، کتبی و الکترونیکی بین مقامات دولتی و لابی‌گران تعریف می‌شود.
- ◆ شفافیت در امور مالی سیاسی بیشتر از لابی‌گری است، اگرچه راه‌های گریز باقی مانده است. تامین مالی احزاب سیاسی و کمپین‌های انتخاباتی یک حق مشروع و راهی برای مشارکت شهروندان در امور مالی نامزدهایی است که منافع شهروندان را پیش می‌برند. یکی از راه‌های ارتقای شفافیت در امور مالی سیاسی، افشای اطلاعات منابع مالی احزاب یا نامزدهای سیاسی است.



- ◆ شفافیت بیشتر در مورد منابع بودجه برای تحقیقات، اتاق های فکر و سازمان های مردمی مورد نیاز است. یکی از راه هایی که منافع مختلف بر سیاست های دولت تأثیر می گذارد، تأمین مالی سازمان های شخص ثالث، مانند اتاق های فکر، مؤسسات تحقیقاتی یا تحقیقات به طور کلی تر، و سازمان های مردمی است. برای دهه ها، از این شیوه ها برای تأثیر گذاری بر سیاست های عمومی، با شفافیت کمی در مورد اینکه چه کسی پشت برخی اتاق های فکر و تحقیقات دانشگاهی است، استفاده شده است. این امر خطر ارائه اطلاعات جانبدارانه یا نادرست را با هدف همراه کردن یا گیج کردن افکار عمومی یا مقامات عمومی افزایش می دهد (بناموزیگ، کورتیناس و بروکنر، ۲۰۱۹).
- ◆ در استفاده از رسانه ها و رسانه های اجتماعی به عنوان ابزار لابی گری به شفافیت بیشتری نیاز است. یکی از نگرانی های نوظهور در سال های اخیر، سوء استفاده از رسانه های اجتماعی توسط گروه های ذینفع خاص برای دستکاری اطلاعات، اطلاع رسانی نادرست به مردم و انتقال نظرات مغرضانه به آنهاست. به عنوان مثال، برخی از شرکت ها با ترویج مزایای افزایش تولید سوخت فسیلی توسط ارسال پیام های مثبت از طریق تبلیغات هدفمند فیس بوک و اینستاگرام از تبلیغات این رسانه ها برای تأثیر گذاری بر روایت های موجود درباره وضعیت آب و هوا استفاده می کنند (نقشه نفوذ، ۲۰۱۹).
- ◆ شفافیت در مورد منافع مشاوران نهادهای موقت دولتی محدود است. گروه های مشاوره می توانند به تقویت تصمیم گیری مبتنی بر شواهد کمک کنند. با این حال، بدون شفافیت و تدابیر کافی در برابر تضاد منافع، ممکن است خطر تضعیف مشروعیت توصیه های خود را داشته باشند. نمایندگان بخش خصوصی که در این گروه ها شرکت می کنند، بدون اینکه لابی گر خارجی در نظر گرفته شوند، مستقیماً به فرآیندهای سیاست گذاری دسترسی دارند و ممکن است ناخودآگاه یا خودآگاه به نفع شرکت یا صنعت خود باشند، که همچنین ممکن است پتانسیل تضاد منافع را افزایش دهد.

د) نقص اطلاعات افشا شده و عدم امکان بررسی عمومی

اصول لابی گری بیان می کند که «کشورها باید شفافیت کافی را برای اطمینان از اینکه مقامات دولتی، شهروندان و مشاغل می توانند اطلاعات کافی در مورد فعالیت های لابی به دست آورند» ارائه دهند. آنها می افزایند که «افشای فعالیت های لابی گری باید اطلاعات کافی و مرتبطی در مورد جنبه های کلیدی فعالیت های لابی گری را فراهم کند تا امکان بررسی عمومی فراهم شود. این موضوع باید به دقت با ملاحظات معافیت های قانونی، به ویژه نیاز به حفظ اطلاعات محرمانه در جهت منافع عمومی یا حفاظت از اطلاعات حساس در صورت لزوم متعادل شود.»

با این حال، در جایی که کشورها سطحی از شفافیت را در مورد فعالیت های لابی ارائه می کنند، اطلاعات افشا شده گاهی برای درک وسعت و عمق این فعالیت ها کافی نیست. قوانین و چارچوب های دسترسی به اطلاعات یا آزادی اطلاعات نیز مکانیسم مفیدی برای تضمین شفافیت و بررسی است، اما در عمل، اجرای آنها هنوز ناقص است (مرکز قانون و دموکراسی اروپا، ۲۰۱۵).

ه) تعامل با لابی ها و ابزارهای دیجیتالی برای ارتقای انطباق

اصول لابی گری نشان می دهد که الزامات شفافیت نمی توانند به هدف خود دست یابند مگر اینکه عوامل نظارتی با آنها مطابقت داشته باشند و توسط نهادهای نظارتی به درستی اجرا شوند. طرفداران تشویق می شوند تا از «طیف منسجمی از استراتژی ها و مکانیسم ها» برای اطمینان از رعایت اقدامات شفاف سازی استفاده کنند. انطباق و اجرای اقدامات شفاف سازی معمولاً بر ترکیبی از اقدامات نظارتی توسط نهادهای نظارتی، ارائه و اعمال تحریم ها، و کانال های تسهیل گزارش عدم انطباق استوار است.

کشورها برای ارتقای رعایت الزامات شفافیت از اقدامات متعددی از طریق نهادهای نظارتی خود استفاده می کنند. این اقدامات شامل ارائه یک سیستم ثبت نام و گزارش آنلاین مناسب، افزایش آگاهی از مقررات، تأیید افشای اطلاعات در مورد لابی گری و



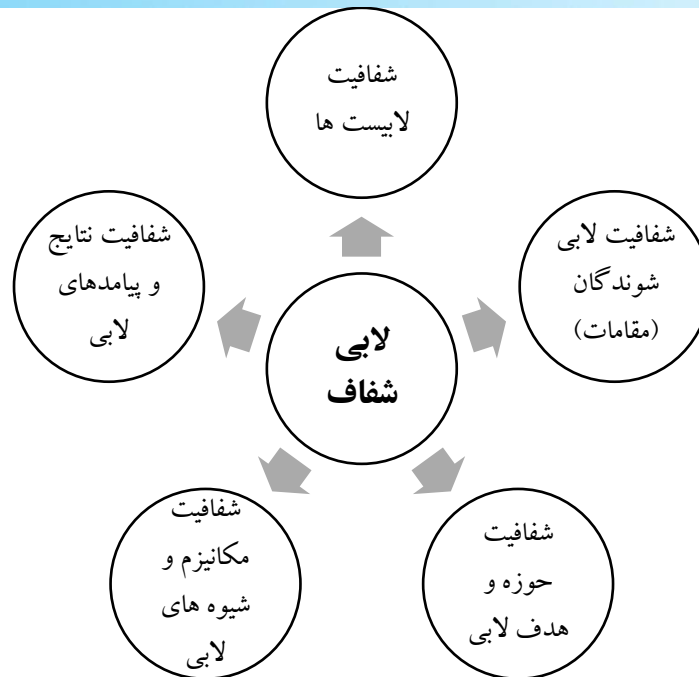
اعمال تحریم‌های قابل مشاهده و متناسب است. در کشورهایی که نیازمند شفافیت در فعالیت‌های لابی هستند، هم ابزارها و هم نهادها برای نظارت بر رعایت موارد استفاده می‌شوند. یافته‌های اصلی را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد؛

- ◆ تعامل با لابی‌گران و مقامات دولتی پیروی از الزامات شفافیت را تشویق می‌کند.
- ◆ ابزارهای دیجیتال و تأیید خودکار برای افزایش نظارت عمومی مفید هستند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

شفافیت در فعالیت‌های لابی‌گری کشورهای دارای چارچوب‌های شفافیت افزایش یافته است. با این حال، سطوح شفافیت در کشورهای مختلف متفاوت است و برخی از اقدامات موجود تنها شفافیت محدودی را در مورد فرآیند نفوذ ارائه می‌کنند. در اکثر کشورها، شفافیت در مورد افرادی که فعالیت‌های لابی را انجام می‌دهند و در مورد افرادی که هدف لابی قرار می‌گیرند محدود است. برخی از بازیگران که بالفعل لابی‌گر هستند، مانند برخی سازمان‌های غیردولتی و اتاق‌های فکر، همیشه مشمول الزامات شفافیت نیستند. با وجود خطراتی که لابی‌گری برای فرآیندهای دموکراتیک و امنیت ملی دارد، تنها استرالیا، کانادا، ایالات متحده و اتحادیه اروپا از طریق فعالیت‌های لابی‌گری، شفافیتی را در مورد نفوذ دولت‌های خارجی در فرآیند سیاستگذاری خود ارائه می‌کنند. در نهایت، تعداد کمی از کشورها در مورد فعالیت‌های لابی‌گری در تمام شاخه‌های دولت شفافیت ارائه می‌دهند که شفافیت در سطوح زیرملی استثنا باقی می‌ماند.

شفافیت بیشتری در مورد اینکه چه کسی بودجه تحقیقاتی اندیشکده‌ها و سازمان‌های مردمی را تأمین می‌کند، و همچنین در مورد استفاده از رسانه‌های اجتماعی به عنوان ابزار لابی‌گری مورد نیاز است. ثبت لابی‌گران کانادا و ثبت شفافیت اتحادیه اروپا تنها چارچوب‌هایی هستند که لابی‌گران را ملزم به افشای اطلاعات استفاده از رسانه‌های اجتماعی و سایر کمپین‌های روابط عمومی به عنوان ابزار لابی می‌کنند. در حالی که شفافیت مالی در سیاست بالاست، ولی هنوز شفافیت در برخی از مناطق خاکستری (مانند تأمین بودجه تبلیغات دیجیتال برای احزاب سیاسی و نامزدها) بر زمین مانده است. بررسی تحقیقات و مطالعات صورت گرفته نشان می‌دهد که اقدامات پیشنهادی برای شفاف سازی لابی‌گری بر حوزه‌های زیر متمرکز می‌باشد؛



راهکارهای پیشنهادی و توصیه‌های سیاستی

همانطور که گفته شد، لابی‌ها می‌توانند بر سیاست‌های عمومی تاثیر بگذارند و وجود آن نیز اجتناب ناپذیر است. کشورهایی که لابی و لابی‌گری را به رسمیت نمی‌شناسند فقط صورت مساله را پاک کرده‌اند و از پنهان بودن اقدامات لابی در بخش عمومی خود آسیب خواهند دید. نتایج مطالعات و تحقیقات متخصصان ثابت کرده است که استفاده موثر از ظرفیت‌های لابی در سیاست‌های عمومی می‌تواند بهبود و ارتقاء آنها را در پی داشته باشد.

کشورهایی که در به رسمیت شناختن لابی دارای ملاحظات ایدئولوژیک و سیاسی هستند لازم است آن را متناسب با ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی خود بازتعریف نموده و مبتنی بر تعریف مصوب به تعیین الزامات و ضوابط اجرای آن در سطوح و بخش‌های مختلف دولت بپردازند. همچنین پس از تعریف لابی و لابی‌گری است که می‌توان وجوه منفی و ناپسند لابی‌گری در دولت را تعیین نموده و برای جلوگیری از وقوع آن اقدام به وضع مقررات و توسعه زیرساخت‌های نظارتی نمود. امروزه در کشور ما نیز لابیست‌ها حضور دارند و در حوزه‌های مختلف با مقامات کشور (در قوای مقننه و مجریه) لابی می‌کنند، لابی که هدف، مکانیزم و نتایج آن برای مردم و دستگاه‌های نظارتی ناشناخته است و ممکن است به افزایش فساد در دولت دامن بزند.

پیشنهاد می‌شود که قوه مقننه ضمن تعریف بومی لابی‌گری در کشور، الزامات و ضوابط قانونی برای لابی‌گری مجاز در کشور وضع نموده و موارد غیر از آن را تخلف و فساد تلقی نماید. همچنین برای متخلفان و موارد تخلف نیز می‌توان با همکاری قوه قضائیه تنبیهاتی نیز در نظر گرفته شود.

طبق قانون می‌توان لابیست‌های مجاز را با ثبت نام آنها در سامانه لابی مشخص نمود و مقامات دولتی را از لابی با لابی‌گران غیرمجاز منع نمود. البته اگر مقامات دولتی دارای دستور کار باز نباشند و یا دستگاه‌های نظارتی بر برنامه کاری مقامات دولتی نظارت نداشته باشند نمی‌توان تحقق این موضوع را تضمین نمود.



همچنین مشاوران و نهادهای مشاور خارج از دولت نقش مهمی در تصمیم سازی های مقامات دولتی و بخش عمومی کشور دارند و تقریباً نظارت ویژه ای بر تامین کنندگان و ارتباطات آنها وجود ندارد. لازم است افراد و دستگاه های مشاور بخش عمومی در سامانه ای خاص ثبت نام نموده و موضوعات مورد مشاوره و نظرات ارائه شده توسط آنان برای مردم و دستگاه های نظارتی شفاف باشد.

رسانه های داخلی کشور تاثیرگذاری مهمی بر تصمیمات و اقدامات مقامات دولتی دارند و با ایجاد جریان و فشار رسانه ای در مقاطع مختلف می توانند بر سیاست های عمومی تاثیر گذارند. لازم است برای کنترل و مهار جریان رسانه ای مخرب بر سیاست های عمومی، ضوابطی را برای ورود رسانه ها به حوزه تصمیمات بخش عمومی و محدودیت ارتباط احتمالی آنها با مافیای قدرت تعیین نمود.

یکی از مواردی که می تواند بر تصمیمات و تدابیر مقامات بخش عمومی تاثیر بگذارد، بحث حضور مقامات دولتی در بخش خصوصی و بالعکس بصورت همزمان و غیرهمزمان است. لازم است ضوابط و الزاماتی برای مقامات دولتی جهت حضور آنان در بخش خصوصی حتی پس از بازنشستگی و خروج از دولت وجود داشته باشد تا احتمال فساد و تاثیرگذاری مخرب در این حوزه منتفی شود.

منابع و مأخذ

سازمان توسعه همکاری های اقتصادی OECD (۲۰۲۱) لابی گری در بخش عمومی، علی علاءالدینی، چاپ اول، تهران، فارس رنجبر، احمد، «نقش لابی گری در فرآیند قانونگذاری و امکان قانونمند کردن آن»، مجلس و پژوهش، سال ۱۳۸۴، شماره ۴۹-۵۰، از صفحه ۴۲۴ تا صفحه ۴۳۶

Lucie Vnoučková and Milan Žák, (2017) "Perception of Transparency of Lobbying: First empirical approach", University of Economics and Management Národní 2600/9a, 158 00, Prague, Czech Republic

Pavla Bednářová, (2018) "WHAT BENEFITS DOES TRANSPARENT LOBBYING BRING", DANUBE: Law, Economics and Social Issues Review, 9 (3), 193-205

Petr Vymětal, (2018), "Key Elements of Transparent Lobbying: Relevance of Wider Approach", VIEŠOJI POLITIKA IR ADMINISTRATIVAS PUBLIC POLICY AND ADMINISTRATION 2018, T. 17, Nr. 2 / 2018, Vol. 17, No 2, p. 165-176.

OECD (2010), Recommendation of the Council on Principles for Transparency and Integrity in Lobbying, OECD, Paris, <https://legalinstruments.oecd.org/en/instruments/OECD-LEGAL-0379> (accessed on 6 November 2020).

Mialon, M., B. Swinburn and G. Sacks (2015), "A proposed approach to systematically identify and monitor the corporate political activity of the food industry with respect to public health using publicly available information", Obesity Review, Vol. 16/17, pp. 519-530, <http://dx.doi.org/10.1111/obr.12289>

Benamouzig, D. and J. Cortinas (2019), "The Political Strategies of Companies in Public Healthcare: the Case of Agri-food", Revue française des affaires sociales, Vol. 3, pp. 189- 208, <https://www.cairn.info/journal-revue-francaise-des-affaires-sociales-2019-3-page189.htm>

Klein, E. and J. Robison (2019), "Like, Post, and Distrust? How Social Media Use Affects Trust in Government", Political Communication, Vol. 37/1, pp. 46-64, <https://doi.org/10.1080/10584609.2019.1661891>

Colli, F. and J. Adriaensen (2018), "Lobbying the state or the market? A framework to study civil society organizations' strategic behavior", Regulation & Governance, <http://dx.doi.org/10.1111/rego.12227>

Blažek, M. (forthcoming), The Attitudes of Legal Scholars to Lobbying and Its Regulation.

Edelman (2020), 2020 Edelman Trust Barometer, <https://www.edelman.com/trustbarometer>

Dellis, K. and D. Sondermann (2017), "Lobbying in Europe: New firm-level evidence", Working Paper Series, No. 2071, European Central Bank, <https://www.ecb.europa.eu/pub/pdf/scpwps/ecb.wp.2071.en.pdf>

Laboutková, S. and L. Staňková (2016), "The potential effect of non-transparent lobbying on competitiveness through economic freedom in the EU – An empirical survey", Scientific Papers of the University of Pardubice Series, No. 37 (2), Faculty of Economics and Administration.

11th International Conference on Management & Humanistic Science Research in Iran

Archive of SID

16 March 2023 - Tehran

یازدهمین کنفرانس بین المللی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی در ایران

۲۵ اسفند ۱۴۰۱ - تهران



OECD (2015), "Scientific Advice for Policy Making: The Role and Responsibility of Expert Bodies and Individual Scientists", OECD Science, Technology and Industry Policy Papers, No. 21, OECD Publishing, Paris, <https://dx.doi.org/10.1787/5js3311jcpwb-en>

Influence Map (2018), How the US auto industry is dismantling the world's most successful climate policy, <https://influencemap.org/report/How-the-US-auto-industry-is-dismantling-theUS-s-most-successful-climate-change-policy-5c079bd28ca4e219519afa0ae462db0>

Influence Map (2019), Industry Groups and their Carbon Footprints, <https://influencemap.org/report/Trade-Groups-and-their-Carbon-Footprintsf48157cf8df3526078541070f067f6e6>

Du, M. et al. (2018), "Sugar-Sweetened Beverage Taxes: Industry Response and Tactics", Yale Journal of Biology and Medicine, Vol. 91/2, pp. 185-190, <https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pmc/articles/PMC6020730/>

Fabbri, A., T. Holland and L. Bero (2018), "Food Industry Sponsorship of Academic Research: Investigating Commercial Bias in the Research Agenda", Public Health Nutrition, Vol. 21/18, pp. 3422-30, <https://doi.org/10.1017/S1368980018002100>

<https://vittana.org/16-predominant-pros-and-cons-of-lobbying>